


نوع مقاله: ترویجی

تفسیر آیات امامت و ولایت در مکتب کلامی امامیه بغداد با تمرکز بر شیخ مفید و سید مرتضی

علی هابطی نژاد / دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه تهران (دانشکدگان فارابی)


habeti@ut.ac.ir  orcid.org/0000-0003-2791-4251

mahdavarad@ut.ac.ir

محمدعلی مهدوی راد / استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (دانشکدگان فارابی)

shaker.r@ut.ac.ir

روح‌الله شاکری / دانشیار گروه معارف و شیعه‌شناسی دانشگاه تهران (دانشکدگان فارابی)

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

چکیده

اعتقاد به امامت منصوص و بلافصل امیرمؤمنان علیه السلام شاخصه اصلی اعتقادی شیعه به‌شمار می‌رود. مسئله اصلی این پژوهش شناسایی هندسه آیات مطرح شده در رابطه با این اعتقاد و تفسیر آن در اندیشه کلامی امامیه بغداد در قرن پنجم و با محوریت شیخ مفید و سید مرتضی که با روش تحلیلی و استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است. بخش اصلی ادله قرآنی اثبات حق ولایت و امامت در مکتب بغداد از دو دسته بدون واسطه و با واسطه تشکیل شده و دسته سوم ناظر به نقد مبانی تفکر رقیب است. نقادی مستندات قرآنی انگاره عصمت صحابه، نقادی استناد به آیات قرآنی برای حق خلافت خلفاء و نقد ادله قرآنی حجیت اجماع امت، سه محور دسته سوم را تشکیل داده و در مواردی نیز به شکل جدلی به نفع امامت استدلال شده است. تفسیر این آیات در مکتب بغداد، با توجه به گسترش نگاه عقلی کلام شیعه و فضای چند قطبی بغداد، هم از حیث کمیت و هم از جهت کیفیت و تقویت جهت تحلیلی و تفسیری، قابل ارزیابی است.

کلیدواژه‌ها: امامت، ولایت، آیات امامت و ولایت، مکتب کلامی بغداد، شیخ مفید، سید مرتضی.

مقدمه

مسئله ولایت و امامت و اعتقاد به امامت منصوص و بلافصل امیرمؤمنان^ع بعد از نبی اکرم^ص به عنوان شاخصه اصلی اعتقادی مذهب شیعه در بین مذاهب اسلامی و محوری ترین اعتقاد امامیه بعد از توحید و نبوت به شمار می رود. با توجه به جایگاه بی بدیل قرآن کریم در بین مذاهب اسلامی، تمسک به آیات قرآن برای اثبات و یا رد مسائل کلامی، از جمله مسائل حوزه امامت، از ابتدا مورد توجه عالمان مذاهب اسلامی بوده است. عالمان امامیه نیز از دیرباز در مقام دفاع از این اعتقاد، به ادله مختلف از جمله آیات قرآن کریم استدلال کرده و به تفسیر آیات مرتبط با امامت پرداخته اند. مسئله اصلی این پژوهش شناسایی هندسه آیات مطرح شده در رابطه با اعتقاد محوری مذهب امامیه، یعنی امامت و ولایت در اندیشه کلامی امامیه بغداد و بررسی و تحلیل سیر تفسیر این آیات در این مکتب کلامی در قرن پنجم است.

ضرورت این پژوهش آنگاه هویدا می شود که این پژوهش نسبت به دیگر عالمان شاخص مکتب کلامی امامیه بغداد، همچون شیخ طوسی و همچنین دیگر مکاتب کلامی همچون مکتب ری و قم و قرون قبل و بعد نیز محقق شود. تکمیل اجزای این مجموعه می تواند استناد قرآنی اعتقاد محوری مذهب امامیه و توجه عالمان شیعه به آن را در طول تاریخ نشان دهد و مسیر تطور و تکامل تفسیر این آیات را در سپهر پرفروغ کلام شیعه نمایان کند. ارائه تحلیل از این سیر، مبتنی بر نتایج حاصل از این گونه مطالعه، افزون بر ارائه تصویری کلی و جدید از آن موضوع، می تواند به همراه نظریه پردازی برخی از نادانسته های مرتبط با موضوع را عیان کند.

چنان که می دانیم، امامت پژوهی دارای پیشینه ای طولانی است. دانشمندان شیعه در آثار خود به بررسی ابعاد امامت پرداخته و همچنین آثاری با موضوع تفسیر آیات امامت و ولایت با محوریت یک تفسیر خاص و یا مطالعه تطبیقی تفسیر این آیات نزد دو مفسر ارائه شده است. با این حال، تاکنون هیچ پژوهش مستقلی با موضوع تفسیر آیات امامت و ولایت و تمرکز بر مکتب کلامی بغداد تدوین نشده است. کتاب *تطورات کلام امامیه در مدرسه بغداد* (حسینی زاده خضرآباد، ۱۳۹۵)، گرچه به تطور موضوع امامت نیز پرداخته؛ اما نسبت به تفسیر آیات ولایت ساکت است. مقاله «بررسی تطبیقی تفسیر کلامی آیات امامت در تفاسیر اثنا عشریه و زیدیه تا پایان دوره

آل بویه» (اسماعیلی، ۱۳۹۷)، نیز به دلیل تمرکز بر کتب تفاسیر مصطلح، از تفاسیر این آیات در کتب کلامی غفلت ورزیده است. سؤال اصلی را می توان چنین ارائه کرد: در مکتب کلامی بغداد برای اعتقاد محوری امامیه چه آیاتی از قرآن کریم و به چه کیفیتی مورد تمسک و تفسیر قرار گرفته است؟ برای رسیدن به این هدف، با روش تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه ای، آثار موجود از دو عالم شاخص این مکتب مطالعه و مورد تحلیل قرار گرفت و در ادامه بعد از شناسایی اجمالی مکتب کلامی بغداد، نتایج حاصل از این پژوهش و هندسه کلی تفسیر این آیات در مکتب بغداد در شش ضلع ارائه شد.

۱. مکتب کلامی بغداد

مراد از مکتب کلامی، نظامی کامل و منسجم از باورهای دینی دانسته شده که دارای پاره ای مبانی خاص و آموزه هایی متمایز از دیگر نظام های کلامی بوده و در دوره ای از تاریخ استمرار یافته است (عطائی نظری، ۱۳۹۷). مؤلفه های اصلی و سازنده یک مکتب، نه لزوماً ابتکار در موضوعات و مسائل مورد بحث؛ بلکه «ابتکار در روش تحلیل مسائل» دانسته شده و این ابتکار است که نقش آفرین بوده و سبب پیدایش مکتب جدید است (عابدی، ۱۳۸۴، ص ۱۰). این اصطلاح نزدیک به مدرسه کلامی بوده، گرچه در اصطلاح مدرسه کلامی، تأکید بر جغرافیای خاص نیز وجود دارد (سبحانی، ۱۳۹۱). تاریخ کلام اسلامی از مکاتب مختلف کلامی، همچون مکتب کلامی امامیه، مکتب کلامی اشعری و مکتب کلامی اعتزالی تشکیل شده است. برخی صاحب نظران ضمن تأکید بر اصالت کلام شیعه در دوران شکل گیری، مدارس نخستین کلام امامیه را در قالب مدرسه مدینه، مدرسه کوفه و مدرسه قم صورت بندی کرده اند (همان). کلام امامیه در دوره میانی (عصر غیبت تا خواجه نصیرالدین طوسی) در قالب پنج مدرسه قم، بغداد، نجف، ری و حله به حیات خود ادامه داد (جبرئیلی، ۱۳۸۹، ص ۸۴-۶۶). شروع پیدایش مکتب کلامی بغداد را از سفر امام صادق^ع به عراق و تشیع هشام بن حکم دانسته اند (همان، ص ۷۲). شخصیت هایی همچون هشام بن حکم، ابومحمد نوبختی، ابوسهل نوبختی، ابن ابی عقیل عمانی و ابن جنید اسکافی از عالمان این مکتب بوده، اما شاخص ترین عالمان این مکتب را با توجه به حجم آثار و تأثیر گذاری در زمان خود و بر

شمول آن نسبت به خلفای مورد قبول اهل سنت، گستره آیات امامت و ولایت نیز شامل آیات مورد استناد اهل سنت برای اثبات خلافت و حق ولایت برای خلفای سه گانه نیز خواهد بود. بررسی تفسیر و دیدگاه نقادانه عالمان امامیه نسبت به این استنادات نیز داخل در این پژوهش بوده؛ زیرا به شکل غیرمستقیم، اثبات کننده و ملازم امامت اهل بیت علیهم السلام خواهد بود.

۳. هندسه تفسیر آیات امامت و ولایت در مکتب بغداد

در این قسمت هندسه آیات تفسیر شده و نتایج پژوهش در تفسیر این آیات در شش محور ارائه می شود:

۳-۱. اثبات بدون واسطه حق ولایت امیرمؤمنان علیه السلام

از مهم ترین محورهای تفسیر آیات امامت و ولایت، آیاتی است که به شکل مستقیم برای اثبات ولایت امیرمؤمنان یا اهل بیت علیهم السلام مورد استدلال قرار گرفته است. در آثار شیخ مفید و سید مرتضی دست کم می توان به شش آیه دست یافت.

شیخ مفید در *الجمال*، آیه ۵۵ مائده را به عنوان نص قرآنی بر امامت امیرمؤمنان مطرح و با اثبات امامت حضرت از این آیه، عصمت ایشان و بطلان مخالفت مخالفان را نتیجه گرفته است (مفید، ۱۴۳۱ق - الف، ص ۷۵؛ همچنین مفید، ۱۴۳۱ق - ز، ص ۴۰). وی در دلالت آن چنین گفته که آیه در مقام تعیین ولی برای مخاطبانی است که ضمیر «کم» به آنان اشاره دارد و این اولیاء همان خداوند، رسول خدا و مؤمنانی هستند که در آیه توصیف شده اند. با توجه به لزوم تفاوت بین مضاف و مضاف الیه، مراد از مؤمنان توصیف شده در آیه نمی تواند عام بوده و بین مخاطبین آیه و مؤمنان صاحب ولایت تفاوت وجود دارد و با توجه به عدم وجود طایفه ای با این توصیف و اختصاص صفت زکات حین رکوع به امیرمؤمنان، ولایت ایشان بر مسلمانان ثابت می شود (مفید، ۱۴۳۱ق - الف، ص ۷۶). شیخ در ابتدای کتاب *ارشاد* نیز به همین آیه به عنوان نص قرآنی بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام استناد کرده و چنین گفته که در لغت بدون اختلاف بین اهل آن، «ولی» همان «اولی» است و در نتیجه طبق این آیه امیرمؤمنان علیه السلام نسبت به مردم ولایت دارد (مفید، ۱۴۳۱ق - ب، ج ۱، ص ۷). همین مطالب در تفسیر مراد از این آیه در *المسائل العکبریه* نیز ارائه شده و استدلال چنین تکمیل شده که گرچه ولایت در لغت به معنای مودت بوده؛ اما مراد از آن در این آیه وجوب

آیندگان باید شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی دانست.

شیخ طوسی در کتب کلامی خود *تمهید الاصول*، *الاقتصاد*، *المفصح فی الإمامة* و *تفسیر تبیان* به آیات امامت و ولایت توجه داشته، اما از آنجاکه کتاب ارزشمند *الشفای فی الإمامة* استاد خود، سید مرتضی را تلخیص کرده و حجم اصلی از مباحث این حوزه در این کتاب مورد بحث قرار گرفته، می توان چارچوب اندیشه کلامی وی را در امتداد تفکر سید مرتضی تحلیل کرد. افزون بر عنوان کتاب که بیان کننده ارتباط از نوع تلخیص با کتاب *الشفای* بوده، مقدمه آن (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۲) نیز نشان می دهد که تلاش شیخ بر تلخیص و تبویب بوده و فقط به قدر نیاز تصرفاتی داشته است. از ارجاعات متعدد شیخ طوسی در دیگر کتبش به *تلخیص الشافی* (ر.ک: طوسی، ۱۳۶۲، ص ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۷۶، ۳۷۹، ۳۸۳، ۳۹۲، ۳۹۳؛ همو، بی تا، ج ۲، ص ۴۸۶ و ۵۵۸؛ ج ۸، ص ۳۴۱؛ ج ۹، ص ۳۲۶)، و همچنین تشابه آثار تألیفی وی با محتوای کتاب *الشفای* (برای نمونه تفسیر آیه ۵۵ مائده را مقایسه کنید: شریف مرتضی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۱۷؛ طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۵-۱۰؛ همو، ۱۳۶۲، ص ۳۷۲-۳۷۶؛ همو، ۱۳۷۵ق، ص ۱۹۸-۲۰۳؛ همو، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۹-۱۳۳)، مهر تأیید وی بر آن محتوا و در نتیجه امکان استناد آن به دیدگاه شیخ را می توان برداشت کرد. در نتیجه فارغ از دیدگاه ها و یا اختلافات این دو عالم بزرگ مکتب بغداد در موضوعات همچون توحید و نبوت، می توان دیدگاه آنان در موضوع امامت و تفسیر آیات امامت و ولایت را مشابه دانسته و بررسی آثار شیخ مفید و سید مرتضی را برای دستیابی به هندسه تفسیر آیات امامت و ولایت در مکتب بغداد کافی دانست.

۲. آیات امامت و ولایت

در غالب پژوهش ها، بدون ارائه تبیینی واضح از این اصطلاح، به بحث از آیات پرداخته شده و گرچه نگاه کلی حاکم بر این پژوهش ها مشترک بوده؛ اما تلقی مشترکی که بتوان آن را یک اصطلاح دانست، وجود ندارد. در این پژوهش، مراد از آیات امامت و ولایت، آیاتی است که برای اثبات اصل اعتقاد امامت و حق ولایت به عنوان فصل ممیز تشیع یا بیان اوصاف و ویژگی های امامت و فضائل امامان با هدف اثبات حق ولایت مورد استدلال قرار گرفته است. با گسترش مفهوم امامت و ولایت نسبت به مصادیق شیعی آن و

یک نفر در هر زمان (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۴)، انحصار آیه در امیرمؤمنان^ع ثابت می‌شود. سید در ادامه به تفصیل از شبهات مطرح در مورد دلالت این آیه سخن گفته است. اشکال اول ادعای وجود دو مجاز در معنای ارائه شده و اشکال دیگر ادعای حمل «راکعون» به معنای خضوع بوده و اشکال سوم انفاق دانستن بخشش امیرمؤمنان^ع و نه زکات بودن آن است. سید در پاسخ به ادعای اختصاص معنای ولی به موالات در دین با استناد به عبارت آیه قبل و تناسب آن با معنای خضوع از رکوع و اشتراک مؤمنان در این دو آیه، تفاوت مؤمنان مطرح در این دو آیه را غیرممکن نمی‌داند. همچنین براساس تفسیر سید، آیه دلالت بر امامت امیرمؤمنان^ع داشته و با توجه به زمان نزول، هم‌زمانی نبوت نبی اکرم^ص و امامت امیرمؤمنان^ع را نتیجه می‌دهد که مخالف اجماع مسلمانان است. سید در پاسخ ابتدا اجماع ادعا شده را نقد کرده و با فرض دلالت آیه بر لزوم اطاعت، امامت ایشان در همان زمان ثابت می‌شود. در صورت قبول اجماع، زمان حال (هم‌زمانی امام و نبی) از مدلول آیه خارج شده و باقی زمان مدلول آیه خواهد ماند (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۸-۴۴). سید از این اشکال در ذیل بحث از حدیث غدیر نیز به تفصیل سخن گفته است (همان، ص ۱۹۸-۲۰۰). استدلال کراجکی نیز در *کنزالفوائد* به این آیه مشابه سید مرتضی در *الشفافی* است (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۴۰).

در تحلیل استدلال به این آیه باید گفت که هدف اصلی شیخ و سید، تطبیق آیه بر امیرمؤمنان^ع بوده و این آیه جایگاه ویژه‌ای در مکتب بغداد برای اثبات بدون واسطه حق ولایت دارد که از رهگذر تبیین معنای «ولی» و تطبیق آیه و همچنین پاسخ به شبهات می‌گذرد. تفسیر آیه در تفاسیر شیعه سابق بر شیخ، متمرکز بر نقل روایات بوده که محور آن ذکر شأن نزول بوده و به تحلیل معنای ولی پرداخته نشده است. *فرائد کوفی* بیش از ده روایت در سبب شأن نزول آن ذکر کرده (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۳-۱۲۹). قمی به یک روایت اکتفا کرده (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۷۰) و عیاشی نیز با ذکر چند روایت به روایتی اشاره کرده که آیه را بر ائمه تطبیق داده که در کلام شیخ مفید و سید مرتضی به این جهت اشاره نشده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۲۸). *ابواسحاق نویختی*، از متکلمان بزرگ شیعه در انتهای تنها کتاب بازمانده از وی به اختصار به آیه ۵۵ سوره مائده اشاره و به عدم امکان عمومیت مؤمنان در آیه توجه

اطاعت است؛ زیرا عبارت «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» در حکم «لا ولی لکم إلا الله» بوده و محال است که از آن محبت و مودت مراد باشد. همچنین از دیدگاه شیخ آیاتی دیگر از قرآن که مؤمنان را اولیاء یکدیگر دانسته (توبه: ۷۱) نشان می‌دهد که ولایت در این آیه برای امیرمؤمنان^ع فراتر از آن ولایتی است که بین همه مؤمنان بوده و تفاوت آن در همان وجوب اطاعت است و نتیجه این وجوب، اثبات امامت حضرت بر همه انسان هاست. شیخ اشکال به لفظ جمع آیه را نتیجه دوری از زبان عربی دانسته و موارد متعددی از قرآن که مراد از لفظ جمع، فرد واحد بوده را ارائه کرده است (مفید، ۱۴۳۱ق - ج، ص ۴۹-۵۱).

سید مرتضی این آیه را مهم‌ترین آیه مورد استناد برای امامت امیرمؤمنان^ع دانسته و هم در *المدحیره* (شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۳۸-۴۴۲) و هم در *الشفافی* به تفسیر آن پرداخته است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۰). وی مراحل استدلال را در دو مرحله (تعیین معنای «ولی» و تطبیق «الَّذِينَ آمَنُوا» به مصداق آن) دانسته (شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱۷) و ابتدا به اثبات معنای تدبیر و مدیریت (همان معنای امامت موردنظر شیعه) برای لفظ «ولی» پرداخته و سپس به اثبات اراده این معنا در این آیه می‌پردازد. سید وجود معنای تدبیر امور و مدیریت که ملازم با وجوب اطاعت باشد را برای این لفظ ظاهر می‌داند و به قرائنی از استعمال عرب و اشعار آنان استناد می‌کند. استعمال «ولی» در این آیه در معنای امامت است؛ زیرا ولی در این آیه فقط دو احتمال دارد: معنای تدبیر و امامت؛ معنای موالات و محبت در دین. وجه عدم امکان معنای دوم این است که این معنا مربوط به همه مؤمنان بوده و به گروهی محدود نیست؛ درحالی‌که معنای ولی در آیه نسبت به «الَّذِينَ آمَنُوا» نمی‌تواند به عموم مؤمنان مربوط باشد؛ زیرا افزون بر صفت ایمان برای ولی، اقامه نماز و پرداخت زکات در حین رکوع نیز شرط بوده و این نوع از زکات در همه مؤمنان محقق نیست. از سوی دیگر دلالت «انما» بر انحصار نیز نشان می‌دهد ولایت فقط برای مؤمنان با صفات خاص ثابت است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۸۱۰).

سید در گام دوم با استناد به اجماع و همچنین نقل تاریخی در شأن نزول آیه و واقعه زکات دادن خاتم، نشان می‌دهد که مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا» امیرمؤمنان^ع است. وی می‌افزاید که هرکس که معنای مطرح‌شده برای «ولی» را پذیرفته، مصداق آن را امیرمؤمنان^ع معرفی کرده و با توجه به عدم امکان امامت بیش از

بوده و از هرگونه خطا و لغزش به دور هستند؛ زیرا در صورت عدم عصمت، امر مطلق قابل پذیرش نیست. همچنین با توجه به اتفاق مخالفان در عدم عصمت افرادی که این آیه را بر آنان تطبیق شده، مصداق انحصاری صادقین، ائمه اطهار^{علیهم السلام} است (مفید، ۱۴۳۱ق - د، ص ۱۳۸). راه دوم در کتاب *الفصول المختاره* که شیخ در کتاب *المسائل العکبریه* تنها به طرح آن اکتفا کرده، تمسک به آیه ۱۷۷ بقره است که به تشریح اوصاف صادقین پرداخته است. شیخ مفید به استناد آیات دیگری از قرآن، همچون آیه ۷۶ انسان، آیه ۲۷۴ بقره و آیه ۵۵ مائده و همچنین روایات، نشان می‌دهد که صفات مذکور در آیه ۱۷۷ بقره در توصیف صادقین، تنها در امیرمؤمنان^{علیه السلام} جمع است (همان، ص ۱۴۱). عمومیت بخشیدن به آیه نسبت به دیگر ائمه^{علیهم السلام} و عدم انحصار در امیرمؤمنان^{علیه السلام}، استفاده از مبنای کلامی عصمت امام در تفسیر آیه ۱۱۹ توبه و استفاده از آیات دیگر در تفسیر آیه از نکات قابل توجهی است که در تفسیر شیخ مفید از این آیه دیده می‌شود.

شیخ مفید در فصلی از کتاب *الفصول المختاره* به ذکر استدلال *فضل بن شاذان* بر امامت امیرمؤمنان^{علیه السلام} به آیه ۶ سوره احزاب پرداخته است. مطابق دیدگاه فضل، از آنجاکه مطابق این آیه نزدیک‌ترین فرد از اقرباء به نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} دارای ولایت بوده و امیرمؤمنان^{علیه السلام} مصداق این فرد بوده است. فضل در پاسخ به این اشکال که نزدیک‌ترین از اقرباء پیامبر، عباس بوده چنین گفته که مطابق آیه، ایمان و هجرت شرط این قرابت است و عباس به اتفاق، از مهاجرین نبوده است. شیخ مفید در تکمیل این استدلال و اثبات اقریبیت امیرمؤمنان^{علیه السلام} چنین افزوده که با فرض قبول موروثی بودن مقام ولایت، حضرت علی^{علیه السلام} پسرعموی نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} از پدر و مادر بوده؛ درحالی‌که عباس عموی پیامبر از پدر است و کسی که از دو سبب نسبت دارد، اقرب است (مفید، ۱۴۳۱ق - د، ص ۱۷۰-۱۷۲).

شیخ مفید در کتاب *الجمل* بعد از ارائه فصلی در موضوع بیعت مسلمانان با امیرمؤمنان^{علیه السلام} و توضیح تفاوت این بیعت با بیعت خلفای سه‌گانه، دلیل لزوم اطاعت از امام و عدم جواز نقض بیعت را به استناد آیه ۵۹ سوره نساء، وجوب الهی اطاعت از اولیاء و متولیان امر خدا می‌داند. وی وجه این استناد را چنین بیان کرده که خداوند در این آیه، اطاعت ائمه را همراه با اطاعت از خود قرار داده و دلالت می‌کند که نافرمانی آنان نیز از جهت حکم، همچون نافرمانی خداوند است (مفید، ۱۴۳۱ق - الف، ص ۹۲-۹۳). این استناد مبتنی بر مبانی مورد قبول عامه در اولی الامر

داشته است (نوبختی، ۱۴۱۳ق، ص ۸۵). مفسران امامیه بعد از شیخ و سید همان مسیر را ادامه داده و در تفسیر آیه به دو جهت تبیین «مولی» و شأن نزول آن پرداخته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۳۳؛ رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۵).

از دیگر آیات آیه ۶۷ مائده (آیه تبلیغ) است که شیخ مفید در کتاب *الارشاد* و بعد از ذکر موضوع غدیر و سبب توقف نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} در غدیر خم به آن پرداخته است. گرچه در متن آیه دلالت مستقیم بر امر ولایت نبوده؛ اما دستور به تبلیغ موضوعی می‌دهد که همان امر ولایت و نصب خلیفه است. شیخ مفید آیه را چنین تفسیر می‌کند که خداوند با نزول این آیه، بر لزوم اعلام خلافت علی^{علیه السلام} بر نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} تأکید کرد و ایشان را از تأخیر در این امر برحذر داشته است. شیخ در این مورد مصداق نص بر امامت امیرمؤمنان^{علیه السلام} را بیان نکرده؛ بلکه به این نکته تصریح دارد که وحی الهی نسبت به نصب امیرمؤمنان^{علیه السلام} قبل از واقعه غدیر به نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} بدون تعیین زمان تبلیغ آن به مسلمانان ابلاغ شده بود (مفید، ۱۴۳۱ق - ب، ج ۱، ص ۱۷۵). این نص می‌تواند آیه ۵۵ همین سوره باشد که در روایات تفاسیر روایی کهن مورد اشاره قرار گرفته است (عباشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۴۰).

از آیات دیگر آیه ۱۱۹ توبه (آیه صادقین) است. شیخ در دو کتاب خود به تفصیل از دلالت این آیه و وجوب اطاعت از امیرمؤمنان^{علیه السلام} سخن به میان آورده که استدلال وی در هر دو مشابه است. از دیدگاه شیخ مفید این آیه در مورد امیرمؤمنان^{علیه السلام} نازل شده و حکم آن در مورد ائمه دیگر از ذریه ایشان نیز جاری است. نکته اول مورد تذکر شیخ، تفاوت منادی به با منادی‌الیه (تغایر بین «الذین آمنوا» با صادقین) است؛ زیرا محال است که انسان به تبعیت از خودش خوانده شود. در نتیجه مراد از صادقین نیز همه افرادی که این صفت بر آنها صدق می‌کند نیست؛ زیرا همه مؤمنان به جهت ایمان خود، صادق بوده و اشکال استحاله تبعیت انسان از خودش تکرار می‌شود. با نفی عمومیت صادقین و معنای لفظی آن، لازم است که مراد از صادقین در آیه مشخص شود تا تکلیف مذکور در آیه، مبنی بر اتباع صادقین قابل انجام باشد (مفید، ۱۴۳۱ق - د، ص ۱۳۷؛ همو، ۱۴۳۱ق - ج، ص ۴۷). شیخ در *الفصول المختاره* دو راه برای تعیین مصداق صادقین و تطبیق آن بر ائمه^{علیهم السلام} ارائه می‌دهد. راه اول تلازم بین امر به اتباع مطلق و عصمت متبوع است؛ به این بیان که اطلاق امر به تبعیت، ثابت می‌کند که افراد متبوع دارای عصمت

سید مرتضی آیه ۱۲۴ سوره «بقره» را از آیاتی می‌داند که امامیه برای اثبات امامت امیرمؤمنان^ع به آن استناد کرده‌اند. مطابق این آیه، ظالم مجاز به تصدی مقام امامت نبوده و امامت بلافصل، امیرمؤمنان^ع است؛ زیرا متصدیان امامت به غیر ایشان در گذشته ظالم بوده‌اند. وی در پاسخ به این اشکال که تائب مصداق ظالم نبوده و مراد آیه استمرار بر ظلم است، چنین می‌گوید که حتی در این فرض، از آنجاکه این فرد در زمان ظلم، مصداق ظالم در آیه بوده، حکم آیه به شکل عموم و بدون تخصیص شامل وی خواهد شد و دلیلی بر تخصیص حکم آیه به شخصی که بر ظلم خود استمرار داشته، وجود ندارد. وی در ادامه به ارائه دلیل بر شمول ظالم بر تائب پرداخته و چنین استدلال کرده که مخالفان امامیه در موضوع وعید، شرط شمول آیات وعید بر گناه کار را عدم توبه وی دانسته و اگر اسم ظالم بر فرد تائب صدق نمی‌کرد، نیازی به این اشتراط نبود. اشکال دیگر، نفی تطبیق معنای «عهدی» به موضوع امامت و همچنین انکار معنای حکومت و اقامه احکام برای امامت است. وی در دفاع از تطبیق عهد بر امامت به سیاق آیه و موضوع آن تمسک کرده و وجهی بر ادعا دوم قبول ندارد (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۵).

۳-۲. استدلال به حق ولایت به واسطه اثبات فضیلت
استدلال بر امامت و حق خلافت در مکتب کلامی بغداد، هم به شکل مستقیم و هم با واسطه اثبات فضیلت نسبت به دیگران و با ضمیمه مقدمه «تقدم فاضل بر مفضول» که به نتیجه تقدم وی خواهد انجامید، به کار رفته است. از دیدگاه شیخ مفید، امامت با نبوت از جهت تقدم بر دیگران و لزوم اطاعت و ریاست مشترک بوده و همان‌گونه که نبوت مفضول بر فاضل امری غیرقابل قبول بوده، امامت مفضول بر فاضل نیز مردود است (مفید، ۱۴۳۱ق - و، ص ۳۷). سید مرتضی نیز همچون شیخ در آثار خود به این نوع از استدلال توجه دارد. از دیدگاه وی یکی از شروط امام، افضل بودن وی نسبت به همه امت است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۰۹) و هر دلیلی که دلالت بر افضل بودن داشته باشد، می‌تواند به‌عنوان دلیل بر امامت محسوب گردد (شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۰۹؛ همو، ۱۴۱۱ق، ص ۴۹۰).

اثبات فضیلت نسبت به دیگر افراد از ابعاد مختلفی همچون علم، بیشتر قابل طرح است. از دیدگاه شیخ مفید مطابق دلیل عقل مبنی

دانستن فردی است که مسلمین با وی بیعت کرده‌اند. در نتیجه با محقق شدن بیعت مسلمین با امیرمؤمنان^ع ایشان مصداق اولی الامر بوده و به دلیل قرین بودن اطاعت از خدا در این آیه با اطاعت از اولی الامر، همان اطاعتی که نسبت به خدا بر مسلمانان واجب است، نسبت به ولی نیز واجب خواهد بود. شیخ در ابتدای کتاب *الافصاح* در توضیح دلیل قرآنی بر وجوب معرفت امام، به همین آیه استناد کرده است؛ زیرا مطابق این آیه اطاعت آنان واجب بوده و شرط اطاعت، معرفت است (مفید، ۱۴۳۱ق - و، ص ۲۸). شیخ در پاسخ سؤالی مبنی بر مطالبه نص قرآنی بر امامت، بعد از مقدمه‌ای در توضیح مراد از نص قرآنی برای امامت امیرمؤمنان^ع و تعیین سطح انتظار از نص قرآنی در حوزه تعیین امام، به تفسیر این آیه پرداخته و امیرمؤمنان^ع را بدون اشکال از اولیاء امر می‌داند؛ زیرا امیرمؤمنان^ع به اتفاق فریقین جزء عالمان و از فرماندهان نبی اکرم^ص بوده و امامت مردم بعد از پیامبر نیز مدتی بر عهده ایشان بوده است و با اثبات لزوم اطاعت ایشان به استناد آیه، نص قرآنی بر امامت حضرت ثابت می‌شود (مفید، ۱۴۳۱ق - ج، ص ۴۶-۴۷). از دیدگاه سید مرتضی این آیه دلالتی بر امامت امیرمؤمنان نداشت و نمی‌توان آن را جزء نصوص امامت شمرد (شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۵۸). این مورد از معدود مواردی است که بین تفسیر شیخ و سید اختلاف دیده می‌شود. در *تفسیر قمی*، اولی الامر به امیرمؤمنان معنی شده (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴۱) و *عیاشی* روایتی در تطبیق آن بر امیرمؤمنان و ائمه^ع آورده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۳). شیخ طوسی ابتدا اطاعت را به امتثال اوامر و ترک نواهی معنا کرده و در تبیین معنای اولی الامر، به ذکر دو قول پرداخته است. قول اول از افرادی همچون *ابوهریره*، *طبری*، *بلخی*، *جبائی* و روایتی از *ابن عباس* است که آن را به حاکمان و امراء معنا کرده‌اند؛ قول دوم از افرادی چون *مجاهد*، *جابرین*، *عبدالله* و قولی دیگر از *ابن عباس* است که اولی الامر را به عالمان معنا کرده‌اند. شیخ با نقد این دو قول، به قول صحیح از طریق روایت امامیه و تطبیق آن به ائمه پرداخته است (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۳۳۶). *ابوالصلاح حلبی* عالم امامی سده پنجم هجری، عطف طاعت در آیه را نشانگر عمومیت اطاعت از اولی الامر دانسته که نشان از امامت آنان دارد؛ زیرا چنین نوعی از اطاعت فقط برای جانشین نبی و امام بعد از ایشان واجب خواهد بود. وی با رد ارتباط آیه با امیران جنگ، نقد به عموم اطاعت در آیه را نیز به جهت عموم امر در آیه و نیازمندی تخصیص به دلیل خارجی، مردود دانسته است (حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۹۴-۹۵).

از آیات مورد استناد برای اثبات فضیلت امیرمؤمنان^ع، آیه ۶۱ آل عمران (آیه مباهله) است. شیخ بعد از بیان مفصل حضور اهل نجران، این حادثه را نشان دهنده فضل امیرمؤمنان می‌داند. بنا به تفسیر شیخ، از حکم خداوند متعال در آیه مباهله به اینکه امیرمؤمنان^ع نفس رسول الله^ص است؛ رسیدن امیرمؤمنان به غایت فضل و مساوات با نبی اکرم در کمال و عصمت مشخص شده و این فضلی است که هیچ‌یک از امت در آن با امیرمؤمنان و فاطمه و حسنین^ع شریک نیست (مفید، ۱۴۳۱ق - ب، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۷۰).

سید مرتضی وجه دلالت آیه مباهله بر افضلیت ایشان را از اجماع مفسران و روایت بر همراه آوردن امیرمؤمنان، فاطمه و حسنین^ع توسط نبی اکرم^ص استفاده می‌کند. از دیدگاه سید برای تحقق مباهله و اتمام حجت بر مخالفان، هیچ‌کس جز افرادی که در غایت فضل و علو بوده، شرایط حضور در مباهله را نخواهند داشت. وی در پاسخ به این ادعا که تحقق مباهله با حضور افراد برتر از جهت دین نبوده و صرف قرابت کافی بوده، چنین می‌گوید که در این فرض باید افرادی همچون عباس و عقیل به جای امیرمؤمنان در مباهله حاضر می‌شدند (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۸۷).

از آیات دیگر آیه ۲۰۷ بقره (لیلة المیبت) است. شیخ مفید در کتاب *الارشاد* به ذکر واقعه پرداخته و جانفشانی امیرمؤمنان^ع و تأثیر آن در دعوت رسالت را بیان کرده و تصریح می‌کند که هیچ‌یک از امت اسلام در این فضیلت با امیرمؤمنان شریک نبوده و این آیه در شأن وی نازل شده است (مفید، ۱۴۳۱ق - ب، ج ۱، ص ۵۱-۵۳). شیخ در *الفصول المختاره* نیز به این جریان پرداخته و از آن برای اثبات تقدم در ولایت بهره برده است. شیخ مفید با استناد به آیات سوره «صافات» و داستان ذبح اسماعیل و صبر او بر تصمیم پدر، به تبیین دلالت میبت بر فضیلت امیرمؤمنان می‌پردازد. از دیدگاه شیخ از مقایسه این دو واقعه روشن می‌شود که آزمون امیرمؤمنان از جهت فضیلت برتر از آزمون اسماعیل بوده است (مفید، ۱۴۳۱ق - د، ص ۶۰-۶۴).

آیه دیگر مورد استناد برای اثبات فضیلت، آیه ۴ تحریم است. بنابر کلام سید مرتضی، امامیه و عامه در نقل خبر مبنی بر تطبیق آیه بر امیرمؤمنان^ع مشترک هستند. از دیدگاه سید، فرد معرفی شده در سیاق آیه باید قدرتمندترین شخص از جهت دفاع از نبی و مشهور به شجاعت و دلاوری باشد، و «صالح المؤمنین» به معنای اصلح مؤمنان است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۹-۱۰). وی تصریح

بر احویت فرد اعلم، آیه ۳۵ یونس، آیه ۹ زمر و آیات ۳۰-۳۳ و ۲۴۷ بقره دلالت بر حق خلافت امیرمؤمنان^ع دارد. وی با اشاره به قضاوت‌های امیرمؤمنان^ع، آن را نشانه بر این علمیت دانسته است (مفید، ۱۴۳۱ق - ب، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ ج ۱، ص ۳۴۳).

عصمت از دیگر فضائلی است که شیخ مفید به استناد آیات قرآن و در ضمن تفسیر آیه ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر)، به آن پرداخته است. عصمت فضیلتی بزرگ بوده که به سبب این آیه برای اهل بیت^ع ثابت شده است و بنا بر تقدم فاضل بر مفضل، اثبات کننده حق ولایت و امامت برای اهل بیت نبی اکرم^ص خواهد بود (مفید، ۱۴۳۱ق - د، ص ۵۵). شیخ مفید در پاسخ به فردی از مذهب کرایسی که دیدگاه شیعه در اختصاص آیه تطهیر به علی، فاطمه و حسنین^ع را رد و آن را مربوط به زنان پیامبر دانسته بود، به تفسیر دلالت این آیه و اثبات اختصاص آن به اهل بیت^ع پرداخته است. شیخ ابتدا تذکر می‌دهد که تفاوت خطاب در یک آیه قرآن و اختصاص بخشی از آن به موضوعی و بخش دیگر به موضوعی دیگر نه تنها مردود نیست، بلکه مورد قبول همه است. وی سپس به نقل ادله دال بر اختصاص آیه به علی، فاطمه و حسنین^ع پرداخته و در ادامه به تفاوت صیغه مؤنث و مذکر در آیه اشاره کرده و آن را نشان دهنده تفاوت مخاطب آن می‌داند. شیخ در توضیح نحوه دلالت آیه بر عصمت بین دو گونه اراده الهی، تفاوت قائل می‌شود. گاهی مراد از اراده الهی، اراده‌ای است که نشان دهنده امر مطلوب خداست و اراده‌ای که خبر از عمل محقق شده دارد. اراده در این آیه از نوع دوم است؛ زیرا در صورتی که از نوع اول باشد، اختصاصی به اهل بیت نداشته و پاکی از رجس برای همه انسان‌ها مطلوب خداوند است. از سوی دیگر اتفاق مسلمانان بر عدم عصمت ازواج نبی اکرم^ص نشان می‌دهد که این قسمت از آیه با زنان پیامبر ارتباطی ندارد و در نتیجه مصداق آن منحصر در اهل بیت خواهد بود (مفید، ۱۴۳۱ق - د، ص ۵۴ و ۸۹-۸۸؛ اثبات عصمت زهرا^ع به استناد آیه تطهیر؛ همچنین، مفید، ۱۴۳۱ق - ج، ص ۲۶؛ پاسخ به اشکالی در دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت^ع). سید مرتضی نیز به این آیه اشاره داشته و بعد از بیان دو نوع اراده مذکور، روایات اصحاب کساء را نشان دهنده اختصاص ویژگی عصمت به اهل بیت می‌داند و در وجه عدم عصمت همسران نبی بیانی مشابه شیخ ارائه کرده است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۵۰-۲۵۳؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۸-۴۸۱).

دارد که ارتباط این آیه با نص بر ولایت از مسیر اثبات فضل حضرت می‌گذرد و به شکل مستقیم بر امامت امیرمؤمنان^{علیه السلام} دلالت ندارد؛ زیرا در صورت استناد به لفظ «مولاه» و برگشت ضمیر به نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله}، آیه دلالت بر ولایت بر ایشان نیز داشته، که قابل قبول نیست (شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۴۹).

۳-۳. نقد نظریه عصمت صحابه

نقد عدالت صحابه و نظریه عصمت صحابه و اثبات ارتداد برخی از آنان در بخش قابل توجهی از آثار شیخ مفید و در ضمن تفسیر برخی آیات و با استناد به قرآن نمایان است؛ که می‌توان آن را نقد قرآنی شیخ بر نظریه‌های رقیب امامت شیعی دانست. با اثبات وجود اصحاب مرتد و یا نفی عصمت آنان، دیگر نمی‌توان مدعی رها کردن امر خلافت به خود این اصحاب شد و لازم است که از سوی نبی اکرم یا خداوند متعال برای جامعه اسلامی اقدامی انجام گردد. آیاتی که دلالت بر عدم عصمت و عدالت اصحاب داشته، با واسطه بر امامت امیرمؤمنان دلالت دارد. شیخ مفید در ضمن پاسخ به اشکالی به این نکته اشاره دارد که با نفی توهم عصمت صحابه، وجه بطلان رفتار خلفا در تقدم بر امیرمؤمنان و عدم التزام به امامت آنها آشکار می‌شود و وجهی برای قبول این عمل باطل باقی نمی‌ماند (مفید، ۱۴۳۱ق - و، ص ۳۹).

بر همین اساس شیخ مفید با تیزهوشی در کتاب *الإفصاح* به تفصیل انگاره عصمت صحابه را به چالش کشیده است (همان، ص ۴۷-۷۵ و ۱۳۹-۱۴۹). وی در ضمن این نقدها، به ارزیابی روایاتی که به سود نظریه عصمت و عدالت اصحاب تمسک شده، پرداخته و روایات متعددی نیز در نفی آن ارائه کرده و سپس به تفصیل از آیاتی گفته که دلالت بر خطا، گناه، گمراهی و یا نفاق اصحاب دارد. آیه ۱۴۴ سوره عمران، آیات ۸۵، ۱۶-۱۵، ۲۰-۲۸، و ۴۵ سوره انفال، آیات ۱-۴ سوره عنکبوت، آیه ۵۴ سوره مائده، آیه ۲۹ سوره محمد^{صلی الله علیه و آله}، آیات ۲۵ و ۲۶ سوره توبه و آیه ۱۵ سوره احزاب بر خطا، گناه و گمراهی برخی اصحاب مورد استناد قرار گرفته و آیاتی همچون ۱۴۳ سوره نساء، ۵۴، ۹۱ و ۱۰۱ سوره توبه، ۴ منافقون و ۳۶-۳۹ معارج در اثبات نفاق برخی اصحاب ذکر شده و در نهایت قول به عصمت صحابه را مردود دانسته و تمسک به آن را کار فرد عاقل نمی‌داند (همان، ص ۴۷-۶۳).

شیخ همچنین به نقد استنادات مخالفان به آیات قرآن برای اثبات عصمت و عدالت اصحاب توجه دارد. وی به تفصیل استدلال

به آیه ۲۹ «فتح» برای توجیه عمل خلفای سه‌گانه و خلافت آنان را مورد نقد قرار می‌دهد (همان، ص ۱۳۹-۱۴۹). همچنین ادعای مستند به آیه ۱۰۰ سوره «توبه» مبنی بر عصمت برخی صحابه، همچون خلفای سه‌گانه و طلحه و زبیر و استقامت آنان بر مسیر مستقیم که نشان‌دهنده حقانیت تصمیم آنان بر کنار گذاشتن امیرمؤمنان علی^{علیه السلام} بعد از رحلت نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله} است را مورد نقد جدی قرار داده و بیان می‌کند که مصداق سابقون در این آیه امیرمؤمنان، حمزه، جعفر و هم‌طبقه آنان در ایمان بوده و ادعای عصمت خلفای سه‌گانه از این آیه، مخالف اجماع است. استناد به آیه ۱۸ «فتح» با ادعای شمول آن بر خلیفه اول و دوم نیز برای اثبات عصمت خلفا دچار اشکالات مشابه است. رضایت مطرح در آیه، شامل همه متباین نبوده و حتی با فرض شمول آن، فقط نسبت به افعال سابق دلالت داشته و دلیل بر عصمت از خطا در آینده نیست (همان، ص ۷۷-۸۹). شیخ استناد به آیه ۱۰ «حدید» را نیز پاسخ داده است. مخالفان، وعده حسنی در این آیه را به بهشت تفسیر کرده و آن را ملازم عصمت و ولایت آنان دانسته‌اند. شیخ شمول آیه بر افراد ادعا شده را، هم از جهت انفاق قبل از فتح و هم از جهت حضور در قتال منکر شده است (همان، ص ۱۵۱-۱۶۱). در آثار سید مرتضی این موضوع با تمرکز بر خلیفه اول و نقد ادله خلافت وی و فضائل او به چشم می‌خورد که در ادامه بیان خواهد شد.

۳-۴. نقد ادله امامت و ولایت خلفا

مکتب بغداد برای اثبات و دفاع از کیان اعتقادی تشیع، به صرف ارائه ادله اثباتی اکتفا نکرده و ادله مخالفان برای اثبات خلافت و امامت خلفای سه‌گانه از جمله استناد به آیات را نیز به چالش کشانده که نقد این استناد، ملازم با اثبات ولایت امیرمؤمنان و اهل بیت^{علیهم السلام} است. هدف اصلی شیخ مفید در کتاب *الإفصاح فی الإمامه* را می‌توان همین دانست. سید مرتضی نیز در *الشفافی* با توجه به نظارت آن به کتاب *المعنی قاضی عبدالجبار* به این جهت اهتمام ویژه داشته است. معتقدان به امامت و خلافت خلفا به دو دسته تقسیم شده و اکثر آنان همچون معتزله، مرجئه و حشویه در دفاع از این اعتقاد به دلیل اجماع و انتخاب امت استناد کرده که در شماره قبل به نقد استناد قرآنی آن پرداخته شد. بخش کمی نیز مدعی وجود نص برای خلفا بوده که در این شماره به نقد این ادله اشاره شده است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص

درباره امیرمؤمنان دانسته‌اند (مفید، ۱۴۳۱ق - و، ص ۱۶۳-۱۷۰). سید آیه را مطابق ظاهر آن عام می‌داند و با فرض اختصاص به کلام امامیه و اکثر عامه بر تطبیق آن به امیرمؤمنان اشاره کرده است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۱۴-۲۱۵).

از دلایل مطرح شده برای امامت و خلافت خلیفه اول و دوم، آیات ۱۵ و ۱۶ سوره «فتح» است که به تفصیل در کلام سید مرتضی و شیخ مفید مورد نقادی قرار گرفته است (مفید، ۱۴۳۱ق - و، ص ۱۰۷-۱۲۰؛ طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۰۲-۱۰۹). استناد به آیه ۱۸ و همچنین آیه ۲۹ سوره «فتح» برای اثبات فضیلت خلیفه اول و دوم نیز توسط سید نقد شده است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۰۳-۲۰۴ و ۲۱۰-۲۱۲). شیخ مفید ادعای تخصیص آیات ۷-۵ سوره «لیل» به ابوبکر به واسطه وجود برخی اخبار را ادعایی بی‌اساس دانسته، بلکه به وجود روایاتی از عامه مبنی بر اختصاص آیه به فرد دیگری اشاره کرده است (مفید، ۱۴۳۱ق - و، ص ۱۷۱-۱۷۳) و سید مرتضی به عمومیت آن تأکید دارد (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۱۵-۲۱۶). سید در نفی دلالت آیه ۹۸ «حشر» تذکر می‌دهد که افزون بر اشکال عمومیت؛ بنا بر اعتقاد عامه، ابوبکر فردی غنی و بی‌نیاز بوده و در نتیجه مشمول این آیه نخواهد بود. آیه ۱۰ سوره «حشر» نیز دلالتی بر فضل ابوبکر ندارد؛ زیرا مغفرت را مشروط به سبقت در ایمان کرده که باید در مورد فرد مورد ادعا ثابت شود و استناد به آیه ۱۰۰ سوره «توبه» نیز در دو محور و نیز آیه ۱۰ سوره «حدید» مورد نقد سید است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۰۴-۲۱۰).

۳-۵. استخلاف اهل بیت

مفهوم استخلاف از مفاهیمی است که در آیات قرآن کریم، همچون آیه ۵۵ سوره نور، آیه ۱۲۹ سوره اعراف و آیه ۱۳۳ سوره انعام به کار رفته است. کلام شیخ مفید در ارتباط با این موضوع، از پاسخ به شبهه‌ای مبتنی بر تفسیر آیه ۵۵ سوره نور و استدلال مبتنی بر آن به نفع خلافت خلفا آغاز می‌شود. شیخ به شکل جدلی و براساس قبول معنایی از استخلاف که دلالت بر امامت داشته باشد، از آیه ۵۵ سوره نور به نفع امامت امیرمؤمنان استدلالت می‌کند؛ زیرا استخلاف در آیه از جانب عباد نبوده و به اقرار مخالفان، استقرار خلافت خلفاء سه‌گانه به انتخاب بندگان خدا بوده و از نص الهی خالی است. این آیه منحصر در امیرمؤمنان است؛ زیرا به اجماع شیعه امامت ایشان براساس نص

(۲۷). از دیدگاه سید مرتضی بین دو موضوع امامت و افضلیت رابطه و تلازم وجود داشته و با اثبات افضلیت فردی به حق ولایت وی پی برده و با قبول امامت فردی، به افضلیت وی حکم خواهد شد. بر همین اساس، نقد ادله ادعا شده مبنی بر فضل خلیفه ملازم با نفی حق ولایت او و اثبات حقانیت امیرمؤمنان بوده که به جهت عدم دلالت مستقیم، در ادامه به اجمال مورد اشاره قرار گرفته است.

شیخ مفید در پاسخ ادعایی مستند به آیه ۵۴ سوره «مائدة» که به جهت مقابله/بویکر با مرتدین، وی را امام و ولی خدا دانسته، به استناد روایات آیه را مربوط به ارتداد اهل بصره دانسته و در نهایت آیه را در فضیلت امیرمؤمنان می‌داند (مفید، ۱۴۳۱ق - و، ص ۱۳۱-۱۳۷). سید مرتضی ابتدا ادعای انحصار تطبیق آیه در ابوبکر و اصحابش را صرف یک ادعا دانسته و اجماع بر استحقاق امیرمؤمنان را مطرح کرده است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۰؛ ج ۳، ص ۱۱۰-۱۱۲). شیخ اثبات هرگونه فضیلت استناد به آیه ۴۰ سوره «توبه» (آیه غار) برای خلیفه اول را مردود و بدون هرگونه دلیل عقلی یا نقلی دانسته و بلکه آن را بیانگر سوء رفتار و نشان از منقصت وی می‌داند (مفید، ۱۴۳۱ق - و، ص ۱۸۵-۱۹۲). سید مرتضی نیز دلالت آیه بر هرگونه فضلی را رد کرده؛ بلکه آن را نقطه ضعف می‌داند (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۱۲-۲۱۳).

شیخ مفید ادعای اختصاص آیه ۲۲ سوره «نور» به خلیفه اول و بشارت او به مغفرت و اجر عظیم به استناد روایات ادعا شده را رد کرده و در فرض قبول شأن نزول ادعا شده، در آن دلالتی بر فضیلت خلیفه اول نمی‌بیند؛ زیرا وی را از خطا در دین و انکار دستور تبعیت از امیرمؤمنان باز نداشت (مفید، ۱۴۳۱ق - و، ص ۱۷۵-۱۸۲). سید نیز هم‌نظر با شیخ بوده و شأن نزول آیه را از نظر امامیه ارائه کرده است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۱۶). آیه ۵۵ سوره «نور» با این ادعا که وعده مطرح در آن فقط در زمان خلفای سه‌گانه تحقق یافته، نمی‌تواند دلالت بر خلافت ابوبکر باشد؛ زیرا از دیدگاه سید، مراد از استخلاف نه امامت و خلافت؛ بلکه جانشین شدن عمومی هر نسل نسبت به نسل قبل بوده و اگر این وعده را وعده محقق شده در زمان خلفای سه‌گانه بدانیم، با دو اشکال مواجه خواهد بود (همان، ص ۱۱۲-۱۱۵؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۴۵-۴۷).

شیخ مفید اختصاص آیات ۳۳-۳۵ سوره «زمر» به خلیفه اول را بدون دلیل دانسته و بلکه شیعه و اکثر اهل سنت آن را نازل شده

خداوند محقق شده است (مفید، ۱۴۳۱ق - و، ص ۹۸). گرچه شیخ این معنا از استخلاف را قبول نداشته و بنا بر تفسیر این آیه در کلام اهل بیت، آن را نازل شده در شأن آنان دانسته که آیه را مربوط به زمان قیام مهدی (عج) دانسته‌اند (شیخ مفید به نقل متن این روایات نپرداخته است. برای نمونه، ر.ک: کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۹).

۳-۶. نقد ادله قرآنی حجیت اجماع امت و عدم نیاز به امام

از نظریه‌های رقیب امامت شیعی، ادعای حفظ دین خدا توسط امت اسلام و عدم نیاز به امام است. سید مرتضی با توجه به عدم عصمت در افراد جامعه و امکان خطا در امت این ادعا را رد کرده و افزون بر نقد دلالت اخبار، به مستندات قرآنی این ادعا و نقد دلالت آن پرداخته است (شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۹۳). آیه ۱۱۵ سوره «نساء» یکی از این آیات است که سید به نقد استدلال به آن در هشت جهت، از جمله احتمال اختصاص آیه به جمعی از مؤمنان، اجمال در مراد از سیبیل و عدم دلالت بر وجوب تبعیت در همه اعصار و زمان‌ها پرداخته است. آیه ۱۴۳ بقره، آیه ۱۱۰ آل عمران، آیه ۱۵ لقمان، آیه ۵۹ نساء و آیه ۱۸۱ اعراف از دیگر مستندات ادعای فوق است که مورد نقد سید قرار گرفته است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۷۹-۱۵۰).

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش در حوزه شناسایی هندسه تفسیر آیات امامت و ولایت در مکتب کلامی بغداد را می‌توان در محورهای زیر بیان کرد:

۱. دو بعد اصلی تفسیر آیات امامت و ولایت در مکتب بغداد را می‌توان توجه به مسائل و موضوعات کلامی و محوریت عقل دانست و نتیجه آن را تفسیر کلامی عقلی خواند. روش تفسیر در این حوزه در مکتب بغداد بر چند رکن تکیه دارد: توجه به مجموعه آیات قرآن کریم در تفسیر یک آیه یا یک موضوع قرآنی (تفسیر قرآن به قرآن)؛ توجه به روایات صحیح؛ توجه به جهت زبان شناسی و اجتناب از تفسیر به رأی.

۲. ادله اثبات حق ولایت و امامت در دو دسته مورد توجه مکتب بغداد بوده است: آیاتی که بدون واسطه بر این حق دلالت داشته و آیاتی که با واسطه دلالت دارند. این واسطه به‌طور کلی با مفهوم «فضیلت» گره خورده؛ مواردی همچون علم و عصمت از مصادیق آن بوده است و در نتیجه آیات دارای دلالت در افضلیت ائمه از این

جهت مورد استدلال قرار گرفته‌اند.

۳. دسته‌ای از آیات مورد تفسیر، ناظر به نقادی مبانی تفکر رقیب امامیه بوده است. نقادی مستندات قرآنی انگاره عصمت صحابه، نقادی استناد به آیات قرآنی برای فضیلت سازی و دلیل‌انگاری برای حق خلافت خلفاء و نقد ادله قرآنی حجیت اجماع امت و در نتیجه عدم نیاز به امام، سه محور این دسته را تشکیل می‌دهد.

۴. در مواردی به شکل جدلی و براساس قبول معنایی مورد قبول خصم که دلالت بر امامت داشته باشد؛ همچون آیه ۵۵ سوره «نور» به نفع امامت امیرمؤمنان علیه السلام استدلال شده است.

۵. تفسیر آیات امامت و ولایت در مکتب کلامی بغداد و نزد شیخ مفید و سید مرتضی، با توجه به گسترش نگاه عقلی کلام شیعه و فضای علمی و چند قطبی بغداد، هم از حیث کمیت و حجم آیات مورد استدلال و هم از جهت کیفیت و تقویت جهت تحلیلی و تفسیری نسبت به دوره قبل (تفاسیر روایی در قرن چهارم، همچون تفسیر قمی و عیاشی که به صرف نقل روایات اکتفا کرده) رو به رشد بوده است.

۶. حضور قدرتمند مکتب کلامی معتزله در بغداد و توجه ویژه این مکتب بر موضوع امامت (برخلاف مکتب اشعری)، واکنشی درخور از سوی مکتب کلامی امامیه دریافت کرد. شیخ مفید در مجموعه آثار خود به تبیین استدلال‌های امامیه به آیات پرداخت و شبهات را پاسخ گفت. سید مرتضی هم در واکنش به تألیف جلد آخر *المعنی توسط قاضی عبدالجبار* در نقد اندیشه امامت شیعی، موسوعه گران‌سنگ خود در موضوع امامت را عرضه کرد.

۷. استناد به روایات اسلامی و گزاره‌های تاریخی در تطبیق آیات بر مصادیق و نه استدلال برای اثبات آموزه‌های کلامی امامت، جایگاه عقل در تفکر کلامی بغداد را به‌خوبی نمایان می‌کند.

۸. توجه ویژه به پاسخ‌گویی علمی و روشمند به اشکالات مطرح در حوزه اعتقاد بنیادین شیعیان، نشان از درک لزوم تعامل علمی با مذاهب دیگر اسلامی برای رشد و تثبیت تفکر امامیه از سوی مکتب بغداد است.

منابع.....

- اسماعیلی، مهران، ۱۳۹۷، «بررسی تطبیقی تفسیر کلامی آیات امامت در تفاسیر اثناعشریه و زیدیه تا پایان دوره آل بویه»، *آینه معرفت*، ش ۵۵ ص ۶۳-۸۰.
- جبرئیلی، محمدصفر، ۱۳۸۹، *سیر تطور کلام شیعه، دفتر دوم؛ از عصر غیبت تا خواجه نصیر طوسی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی زاده خضراباد سیدعلی، ۱۳۹۵، *تطورات کلام امامیه در مدرسه بغداد*، قم، دارالحديث.
- حلی، ابوالصلاح تقی الدین، ۱۴۰۳ق، *الکافی فی الفقه*، تحقیق رضا استادی، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- سبحانی، محمدتقی، ۱۳۹۱، «کلام امامیه؛ ریشه ها و رویش ها»، *تقد و نظر*، ش ۶۵ ص ۳۷-۵.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، ۱۴۱۰ق، *الشفای فی الإمامة*، تحقیق عبدالزهراء حسینی، تهران، موسسه الصادق.
- _____، ۱۴۱۱ق، *الذخیره فی علم الکلام*، تصحیح احمد حسینی اشکوری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان*، ج سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمدبن جعفر، ۱۳۶۲، *تمهید الاصول فی علم الکلام*، تصحیح عبدالمحسن مشکوة الدینی، تهران، دانشگاه تهران.
- _____، ۱۳۷۵ق، *الاقتصاد الهادی الی طریق الرئاسد*، بی جا، نشر کتابخانه.
- _____، ۱۳۸۲، *تلخیص الشافی*، قم، المحبین.
- _____، ۱۴۱۴ق، *المفصح (در: ضمن الرسائل العشر)*، قم، انتشارات اسلامی.
- _____، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عابدی، احمد، ۱۳۸۴، *مکتب کلامی قم*، قم، زائر.
- عطائی نظری، حمید، ۱۳۹۷، «نگاهی به ادوار و مکاتب کلامی امامیه در قرون میانی»، *آینه پژوهش*، ش ۱۷۱، ص ۳-۵۶.
- عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، *تفسیر العیاشی*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیه.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، ج سوم، قم، دار الكتاب.
- کراجکی، ابوالفتح محمدبن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، قم، دار الذخائر.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، مؤسسه الطبع و النشر.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۳۱ق - الف، *الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره*، تحقیق سیدعلی میرشریفی، قم، دارالمفید.
- _____، ۱۴۳۱ق - ب، *الرئاسد*، قم، دارالمفید.
- _____، ۱۴۳۱ق - ج، *المسائل العکبریه*، قم، دارالمفید.
- _____، ۱۴۳۱ق - د، *الفصول المختاره من العیون و المحاسن*، قم، دارالمفید.
- _____، ۱۴۳۱ق - ز، *النکت الاعتقادیه*، قم، دارالمفید.
- _____، ۱۴۳۱ق - و، *الإفصاح فی الإمامة*، قم، دارالمفید.
- نوبختی، ابراهیم بن نوبخت، ۱۴۱۳ق، *الیاقوت فی علم الکلام*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.